

سُورَةُ التَّكْوِيْرِ ٨١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

﴿١﴾

به یاد آر، که خورشید عالم‌فروز بگردد فسرده به یک نیم روز
وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

﴿٢﴾

بگردیده تیره کواکب تمام به رخسندگی هیچ نیارند دوام
وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

﴿٣﴾

پراکنده گردند کوه و جبال روان گشته و تجزیه بالمآل
وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

﴿٤﴾

رها گشته هر اُشترِ باردار چو گردد فرا بر همه اضطرار
وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

﴿٥﴾

وحوش نیز به گرد آمده در حضور بگردیده محشور همه جور به جور
وَإِذَا الْبَحَارُ سُجِّرَتْ

﴿٦﴾

کند سرکشی جمله دریا و نهر خروشان و جوشان بگردیده بحر
وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

﴿٧﴾

عجین گشته روح با بدن جملگی بگردیده جفت، نفس با تن همی
وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ

﴿٨﴾

به وقتی که پرسند ز زنده به گور ز ظلم‌های بی‌حد، به وقت حضور
بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

﴿٩﴾

چه بود جرم مظلوم و آن بی‌گناه؟ که گشتید او را چو بود بی‌پناه
وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ

﴿١٠﴾

به وقتی که افشا شود نامه‌ها ز اعمال و رفتار این بنده‌ها
وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ

به وقتی که این آسمانِ عظیم رها گشته از جای خود بس و خیم
وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ

به هنگام آتش‌فشان در جحیم شود شعله‌ور شعله‌های آلیم
وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِفَتْ

به هنگام تحویلِ باغِ بهشت به اهلش که هستند نیکو سرشت
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ

که هر کس بداند، چه آورده پیش ز اعمال و کردار و رفتارِ خویش
فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ

نباشد چنانی که کفارِ دون سخن‌ها برانند بس کینه‌گون
قسم باد، بر اخترانِ جمیل که چرخنده هستند اندر سبیل
الْجَوَارِ الْكُنَّسِ

بگردند پنهان چو چرخان شوند درخشنده گردند تا رخ نهند
وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ

﴿۱۷﴾

قسم باد، به شب تا بگردیده تار که تاریکی بخشد زمین در مدار
وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

﴿۱۸﴾

قسم باد، بر صبحِ نیکو و روز که روشن بگردیده و پرفروز
إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

﴿۱۹﴾

همین است، کلامِ رسولِ کریم همه آیه‌های خدای رحیم
ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ

﴿۲۰﴾

بسی او تواناست و باشد امین به عرش خداوند مقرب‌ترین
مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ

﴿۲۱﴾

مطاع است گفتار او بر جمیع امانت‌نگهدارِ وحی و سمیع
وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ

﴿۲۲﴾

مُبَرِّی' بُوَد او زِ جَهل و جنون هم آن که بُوَد رهنماتان کنون
وَلَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ

﴿۲۳﴾

بدیده به تحقیق اندر افق به جایی که نور خدا زد تُوُق
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

﴿۲۴﴾

شود هر چه وحی از خدای جلیل نباشد رسول بر شما هیچ بخیل
وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ

﴿۲۵﴾

و گفتار او نیست از اهرمن هم آن که شده رانده از ذوالمنن
فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ

﴿۲۶﴾

کجا می‌روید پس شما، مردمان؟! نیارید چرا رو به آیاتمان؟
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

﴿۲۷﴾

نباشند آیاتِ بس ارجمند به جز بهر مخلوق، اندرز و پند
لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

﴿۲۸﴾

شما گر بپوید آن راهِ راست هدایت ببینید بی‌کم و کاست
وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

﴿۲۹﴾

شما نیز ای کافرانِ پلید! نخواهید به راه هدایت رسید
مگر آنکه خواهد زِ لطفشِ اله خدایِ دو عالم نماید نگاه